

جغرافیا و توسعه شماره ۴۴ پاییز ۱۳۹۵

وصول مقاله : ۱۳۹۴/۰۶/۱۱

تأیید نهایی : ۱۳۹۵/۰۲/۲۴

صفحات : ۱-۲۴

## راهبرد تعدیل فقر در محلات شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی مطالعه‌ی موردی: کلان‌شهر تهران

دکتر عیسی ابراهیمزاده<sup>۱</sup>، دکتر محمد اسکندری‌ثانی<sup>۲</sup>، صغری رمضانپور<sup>۳</sup>

### چکیده

اقتصاد مقاومتی به عنوان مفهوم مواجهه با اختلالات، غافلگیری‌ها و تغییرات معرفی می‌شود. از ویژگی‌های این الگو، مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات، تأکید بر نیروها و بخش‌های پیشران، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا - جهانی فکرکردن و محلی عمل نمودن - است. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از رگرسیون دو متغیره فضایی در گام نخست، اقدام به سازمان‌یابی فقرا و رابطه‌ی آن با بافت فرسوده در شهر تهران نموده است. سپس به تبیین و سنجش اقتصاد مقاومتی با رویکرد محلی اقدام به شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی در سطح محله نعمت آباد در جنوب تهران گردید. در این راستا از ابزار پرسشنامه‌ی محقق ساخته و مصاحبه‌های عمیق در سطح محلی و از داده‌ها و اطلاعات نهادها و دستگاه‌های متولی برای تحلیل در سطح کلان‌شهر تهران استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که سازمان‌یابی فقرای شهری در شهر تهران از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ از تمرکزگرایی آنها در بافت فرسوده درون شهر حکایت دارد. به عبارت دیگر رابطه‌ی معنادار فضایی بین استقرار فقرا با بافت فرسوده در شهر تهران وجود دارد که ضرورت اتخاذ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را در بافت‌های فرسوده نمایان تر می‌نماید.

محله‌ی مورد مطالعه که شامل بافت فرسوده شهر تهران نیز است، با استفاده از مؤلفه‌های مولد بودن، درون‌زایی، کارآفرینی و همکاری‌های جمعی اقتصاد مقاومتی، در سال‌های اخیر با گسترش صنعت مبل و لوازم اداری توانسته است در قالب فعالیت‌های اجتماع محور ساکنان خود را در مبارزه با فقر و تهدیدات بیرونی تا حدی خود را مقاوم نماید. ارزیابی میزان شاخص‌های اقتصاد محلی در محله‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد که همکاری جمعی برای کسب منفعت از دستگاه‌های دولتی و شهرداری، بیشترین اهمیت را در بین شهروندان داشته است. در سوی دیگر ایجاد نهادها و مؤسسات غیردولتی، ترس از کمبود منابع مالی و طولانی شدن پروژه‌های نوسازی کمترین اهمیت در میان شاخص‌های اقتصاد محلی را از نظر مردم محله نعمت‌آباد دارا می‌باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان حوزه‌ی مدیریت شهری علاوه بر تسهیل امر بهسازی به بسترسازی توسعه‌ی اقتصاد محلی در قالب فعالیت‌های اجتماع محور کمک نمایند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد محلی، فقر شهری، بافت فرسوده، تهران.

## مقدمه

گسترش اقتصاد نئوکلاسیک، جهانی شدن اقتصاد را در همهی عرصه‌ها به دنبال داشته است. در این بین دو گرایش متضاد در جهانی شدن اقتصاد وجود دارد که اول تمرکززدایی از فعالیت‌ها و پیوند مکان‌ها در فرایند تولید مشترک و دوم تمرکزگرایی مدیریت‌ها. بر این اساس جهان‌شهرهای همانند نیویورک و لندن از یک سو کنترل اطلاعات و فرماندهی تولید پراکنده را بر عهده دارند و از سوی دیگر با تمرکزگرایی و کنترل منابع مالی و بانکی اقتصاد جهانی، می‌توانند از آن به عنوان اهرم فشار استفاده و یا بحران‌زایی نمایند (صرافی، ۱۳۹۲: ۹).

در این بین کشورهای مستقل و از جمله کشورمان برای رهایی از این بحران‌ها مکلف به نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید است که نمونه‌ی آن نظریه‌ی اقتصاد مقاومتی است که توسط نظام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر پیگیری می‌شود. این شیوه‌ی اقتصادی سعی دارد ساختارهای موجود برگرفته از اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک را تغییر دهد و در ضمن کاهش وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی به بومی‌سازی توسعه و کارآفرینی پایدار توجه ویژه‌ای دارد. سؤال به‌ذهن‌خطور می‌کند که دانش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری چگونه می‌تواند به تحقق این رویداد کمک نماید.

به نظر می‌رسد که این دانش در گام نخست می‌تواند به تبیین و شناخت ظرفیت‌های موجود اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی اجتماعات شهری در راستای نیل به اقتصاد مقاومتی کمک و پایه‌ریزی نظری انجام دهد و سپس راهکارهای عملیاتی نمودن آنها را در شهر فراهم نماید، زیرا ابزار فضایی توانمندی همچون محله و مداخلات کالبدی را در اختیار دارند که می‌تواند با توجه به سرمایه‌های

طبیعی، اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و انسانی موجود در خود، بهره‌برداری بهینه از این سرمایه‌ها داشته باشد (Phillips & Pittman, 2009: 3) و مقدمات و بستر اقتصاد مقاومتی را در فضاهای متعلق به خویش را فراهم نمایند. شناخت ضعف‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و فرصت از الزامات اساسی اقتصاد مقاومتی می‌باشد که از منظر برنامه‌ریزی شهری شناخت حوزه‌ها و پهنه‌های آسیب‌پذیر (در اینجا بافت فرسوده) جزئی از اقدامات اجرایی است، زیرا که در برابر هر تغییر و غافلگیری این بافت‌ها بیشترین آسیب‌ها را می‌بینند. این گونه بافت‌ها با توجه به ویژگی‌های کالبدی همانند عمر و کیفیت ابنیه، زیرساخت‌ها و تأسیسات ایمنی، نوع مصالح به کار رفته، عرض معابر از یک سو و مسایل اقتصادی (از جمله استقرار ساکنان کم‌بضاعت مالی) و اجتماعی از طرف دیگر با خطرات بیشتری گمان می‌رود که در مواقع خطر و شوک‌ها روبه‌رو باشند. به نظر می‌رسد که مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران برای دستیابی به شهر پایدار و نیل به چشم‌اندازهای ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران و تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند نگرشی متفاوت از نگرش کنونی است. این مسأله خود مبین نوآوری در پژوهش حاضر است. به عنوان مثال در شرایط کنونی، قریب نیمی از واحدهای مسکونی شهر تهران به دلیل عدم رعایت ملاحظات فنی، به‌ویژه سازه نامناسب و استفاده از مصالح بی‌دوام و کم‌دوام، در برابر زلزله‌ی غیرمقاوم و ناپایدار و یا به لحاظ اقتصادی ساکنان آنها در معرض از دست دادن فرصت‌ها خود هستند. این سکونتگاه‌های ناپایدار، گرچه در کمتر از ۲۰ درصد وسعت شهر، تمرکز یافته ولی بیش از ۴۰ درصد جمعیت عمدتاً کم‌درآمد شهر را با ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی متمایز در خود جای داده است (اسکندری‌ثانی، ۱۳۹۳: ۷۰). توجه صرف به ابعاد کالبدی

بافت‌ها و بی‌توجهی به مسایل اقتصادی و اجتماعی عملاً نتیجه‌ای مناسب را در پی نخواهد داشت. بافت‌های فرسوده‌ی شهری که گستره‌ی وسیعی از محدوده‌ی شهر تهران را به ویژه در نیمه‌ی جنوبی آن دربرمی‌گیرند (جهانیان و پژوهان، ۱۳۹۰: ۴۱) به دلیل فرسودگی و نارسایی‌های کالبدی، کمبود خدمات و زیرساخت‌های شهری مناسب، شرایط نامطلوب زیست-محیطی (انواع آلودگی) و مسایل اجتماعی و اقتصادی عدیده، به شدت نیازمند ساماندهی و اقداماتی در جهت تاب‌آوری هر چه بیشتر می‌باشند.

از سوی دیگر یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی مشارکت آحاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی است که به‌نوعی می‌توان گفت در آن برنامه‌ریزی محلی و بومی بر برنامه‌ریزی متمرکز غلبه دارد. بر این مبنای عمل و تئوری برنامه‌ریزی در کشور می‌باید روزبه‌روز توجه‌اش را به تمرکز بر روی درگیر کردن اجتماعات محلی در فرایند برنامه‌ریزی با تعبیری همچون برنامه‌ریزی غیرمتمرکز، اندک‌افزا و از پایین به بالا باشد (صرافی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰۵). در برنامه‌های مبارزه با فقر نیز همین رویه می‌باید در نظر گرفته شود یعنی حرکت از سمت استراتژی بالا به پایین از درک، اندازه‌گیری فقر و گروه‌های ذینفع به سمت مشارکت حداکثری و دیدگاه‌های مبتنی بر اجتماع محلی. انعکاس این تغییرات در رویه برنامه‌ریزی و برنامه‌های مبارزه با فقر شهری، تأکید زیاد بر تجربیات فقرا و دانش درونی‌شان است که در آن فقرا به عنوان بازیگران کلیدی در مفهوم‌سازی فقر، شناسایی اولویت‌ها و کمک برای طراحی استراتژی‌های محلی کاهش فقر نقش پیدا کرده و درک گسترده‌تری را از فقر حاصل می‌نماید (Beard, 2007:607). این روش مردم محور کاهش فقر نشان می‌دهد که نه تنها فقرا به تلاش‌های کاهش فقر کمک می‌کنند بلکه هم ظرفیت و هم منابع لازم برای انجام این کار دارند (Chambers, 1997:10).

### پیشینه‌ی پژوهش

ایده‌ی اقتصاد مقاومتی برای اولین بار توسط مقام عالی‌نظام در سال ۱۳۸۹ در جمع کارآفرینان مطرح و در سال ۱۳۹۲ نیز سیاست‌های کلی آن در قالب سیاست‌های کلان ابلاغ شد. نیکواقبال و کریمی نیز آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی در ایران، ابزاری برای تقویت اقتصاد مقاومتی و توسعه‌ی صادرات را در سال ۱۳۹۳ مورد مطالعه قرار داده‌اند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پیش‌نیاز دستیابی به هدف‌ها و پیشرفت برنامه‌های اقتصادی، آگاهی و پشتیبانی شهروندان است و این پشتیبانی تنها در پرتو اعتماد و دید مثبت به برنامه‌ها و کارهای دولت به دست می‌آید (نیکواقبال و کریمی، ۱۳۹۴: ۸۴).

رهبر و همکاران نیز رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی، تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده‌اند که نشان می‌دهد اقتصاد مقاومتی باید همواره پیچیدگی شبکه‌ای از عوامل اجتماعی، فناورانه، سیاسی و حتی ماوراءالطبیعی را به عنوان یک جهان‌بینی و پس‌زمینه ذهنی سودمند، مد نظر داشته باشد (رهبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۶). درخشان از منظر تولید نفت به اقتصاد مقاومتی نگاه داشته و در مقاله‌ای قراردادهای

نظام سلطه، پیش‌رو، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا و برون‌گرا است. این مسأله در سطح برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی به توانایی یک منطقه یا محله در پیش‌بینی، آمادگی، پاسخ و بهبود به یک اختلال است (Foster, 2007: 14).

سوزان فاینشتاین پا را از برگشت به وضع گذشته فراتر گذاشته و از آن به عنوان توانایی سازگاری و سازواری یک فضای جغرافیایی با شوک‌ها یاد می‌کند (Fainstein, 2014: 157).

در این تعاریف به خوبی می‌توان روند توسعه درون‌زای کشور و جهانی فکرکردن و محلی عمل نمودن را مشاهده نمود (اطاعت و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸). مسأله دیگر برخلاف تصور برخی که اقتصاد مقاومتی را شبیه اقتصاد ریاضتی می‌دانند حفظ روند رو به رشد اقتصادی کشور است که دایم به دنبال فرصت‌های درونی و بیرونی است. به عبارت دیگر در اقتصاد مقاومتی هم روند رو به جلوی اقتصاد کشور مد نظر است و هم کاهش آسیب‌پذیری کشور در تمامی حوزه‌ها. در شکل زیر می‌توان پاسخ‌های متنوع اقتصاد ملی و یا منطقه‌ای را در پاسخ به شوک‌ها مشاهده نمود. در شکل نخست اقتصاد پس از وارد شدن شوک به روال قبلی خود برگشته و روند توسعه‌ی خود را بر مبنای قبل از شوک ادامه می‌دهد. شکل دوم و سوم پس از شوک اقتصاد توان حرکت به گذشته را از دست داده و توانایی برگشت به شرایط قبلی را ندارد. این در حالی است که در شکل سوم بر روند بحران افزوده می‌شود. در نهایت شکل چهارم اقتصاد علاوه بر این که بحران را رد می‌کند به فراتر از توسعه‌ی قبلی رسیده و از بحران برای خود فرصت فراهم نموده است.

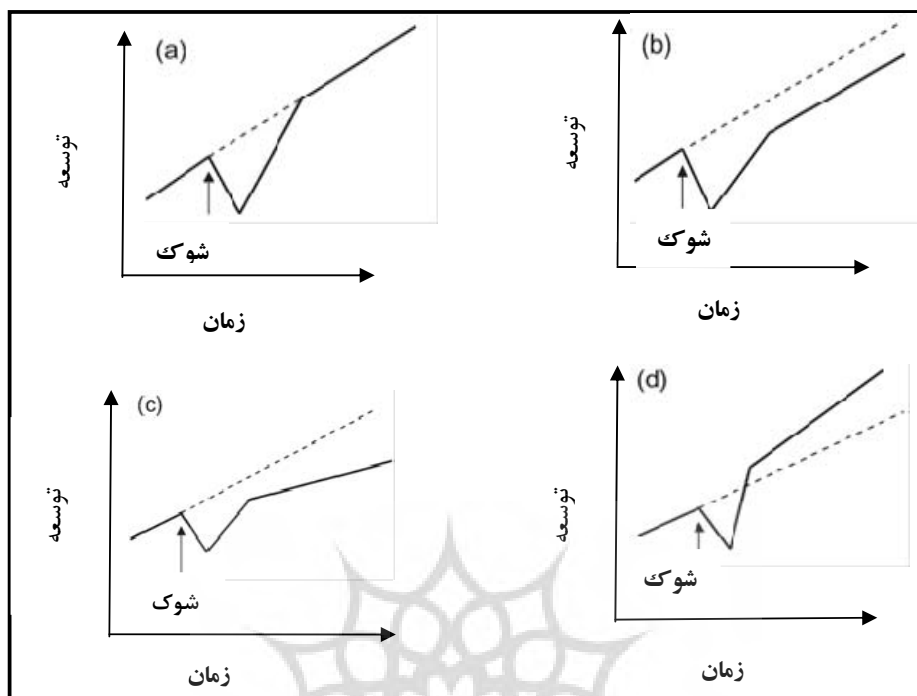
نفتی از منظر تولید صیانتی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج مطالعه‌ی ایشان نشان می‌دهد که در تولید نفت در ایران و قراردادهای مرتبط با توان‌افزایی مدیریتی، عدالت بین نسلی، رسیدن به جایگاه بین‌المللی و رقابتی در قراردادهای شرکت نفت ایران لحاظ نشده که اصولاً با الزامات اقتصاد مقاومتی مغایرت دارد (درخشان، ۱۳۹۳: ۷).

بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران عنوان مقاله‌ی دیگری بوده است که فشاری و پورغفار مورد مطالعه قرار داده‌اند. این پژوهش ضمن تعریف و بیان مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن به ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و راه‌حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی پرداخته است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۲۹). سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها از یک سو و فرهنگ‌سازی از سوی دیگر به عنوان مهمترین عوامل اجرای اقتصاد مقاومتی می‌باشند. این نتایج پژوهش کام‌فیروزی و همکاران تحت‌عنوان بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی بوده است (کام‌فیروزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲). تفاوت عمده‌ی این مقاله با سایر پژوهش‌ها، پیشنهاد شروع از سطح خرد و تأکید بر برنامه‌ریزی از پایین به بالا و اندک‌افزا است.

### مبانی نظری پژوهش

#### اقتصاد مقاومتی، ابعاد و مؤلفه‌های آن

اقتصاد مقاومتی گفتمان و الگویی اقتصادی مدیریتی است که ضمن مقاوم‌سازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات و توان تحریم‌شکنی، با رویکرد عقب‌راندن



شکل ۱: گونه‌های پاسخ اقتصاد محلی و منطقه‌ای به شوک‌ها

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵

دارد که اجرای واقعی اصل ۴۴ قانون اساسی، الگوسازی و فرهنگ‌سازی در حوزه مصرف، نهادسازی و تصویب قوانین لازم، اصلاح نظام بانکی، حمایت از صنایع کوچک و متوسط و مدیریت و حکمروایی از مهمترین الزامات است.

ارکان اقتصاد مقاومتی را می‌توان در چهار حوزه تقسیم‌بندی نمود که استفاده از اقتصاد دانش بنیان، مدیریت مصرف، حمایت از تولید ملی و در نهایت تکیه داشتن بر مردم و اقتصاد را مردمی کردن (نمودار شماره یک). البته عملیاتی نمودن این ارکان الزاماتی



نمودار ۱: ارکان اقتصاد مقاومتی

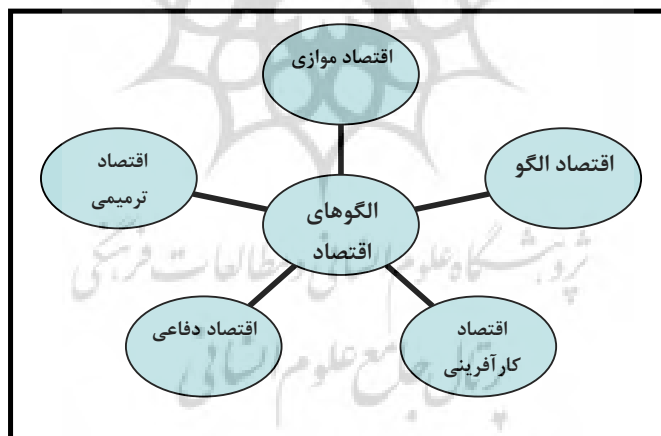
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵

بیشتر بر نهادگرایی به ویژه نهادهای انقلابی، مردم نهاد و خصوصی تأکید دارد. در این رویکرد این نهادها مکمل بخش رسمی دولتی می‌باشند.

در این میان ۵ الگو برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی پیشنهاد شده است که به صورت خلاصه به آنها پرداخته می‌شود. نخست اقتصاد موازی است که

هجمه است که از آن به عنوان اقتصاد دفاعی نام می‌برند. چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ برخلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این رویکرد در پی اقتصادی است که هم اسلامی باشد و هم جایگاه نخست اقتصاد منطقه را فراهم آورد. در نهایت اقتصاد کارآفرینی و تحقیق و توسعه. اصل بحث مربوط به نوآوری، تحقیق، توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۳). بر این اساس پژوهش حاضر در راستای الگوی پنجم یعنی اقتصاد کارآفرینی و توسعه به ویژه در مناطق فرودست شهری است.

دوم رویکرد اقتصاد ترمیمی است الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور برحسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در دوره‌هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند؛ به عنوان مثال غرب پس از ۲ شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین نمود بطوری‌که امروزه با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شوند (Annes, 2000: 205). سوم: الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آندشناسی و پدافندشناسی در برابر



نمودار ۲: انواع الگوهای کاربردی در اقتصاد مقاومتی

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵

شهر تعریف شود. با رویکرد اقتصاد مقاومتی یک محله پایدار می‌باید ۵ ویژگی اساسی دوام، سازگاری، آمادگی در برابر شوک‌ها و تهدیدها، پایداری و استحکام داشته باشد.

در بیان مفهوم محله، از سوی محققان علوم مختلف شهری تعاریف مختلفی ارائه شده است، که در

### محله تجلی‌گاه توسعه اقتصاد اجتماع محور

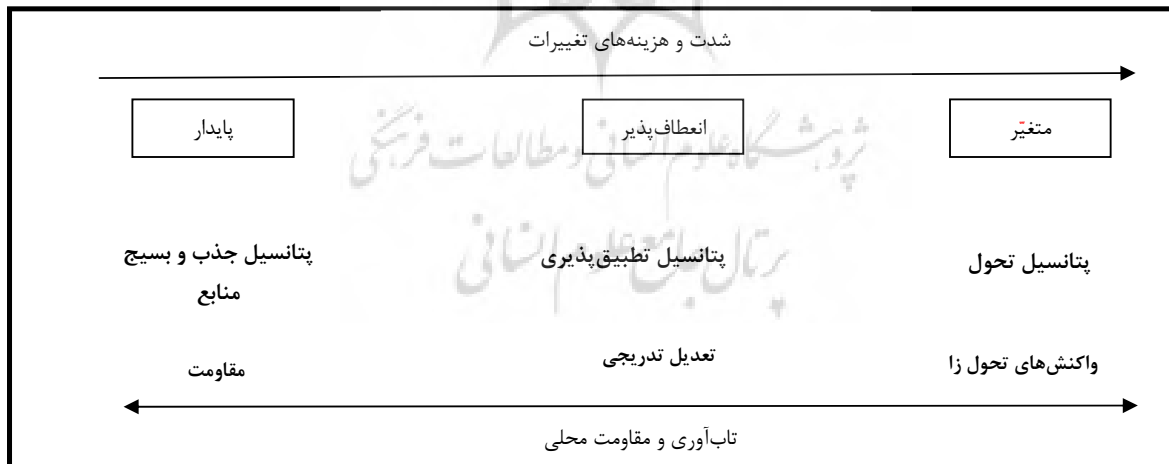
اقتصاد مقاومتی به جد دنبال بحث مردمی‌کردن اقتصاد و مشارکت آحاد مردم در اقتصاد کشور است. این مسأله در فضاهای شهری نیاز به فضای جغرافیایی دارد که از دید برنامه‌ریزان، محله می‌تواند مأمّن و رستنگاه توسعه‌ی فعالیت‌های اجتماع محور در سطح

فردی و جمعی را در درون آن و یا از ورای آن ایجاد کنند (Cooke, 1980: 48).

این رویکرد مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی، به ابعاد مشخص فضا- زمان در مقیاس محلی و خرد می‌پردازد. در این رویکرد نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی و مقتدرسازی، نگرش دارای- مبناء، تأکید بر منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محله‌ها است (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۰). بر این مبنا محله همانطور که در چارچوب مفهومی ذیل (شکل ۲) نشان داده شده است دارای پتانسیل‌های کلیدی برای حصول به تاب‌آوری و اقتصاد مقاومتی است از جمله بسیج دارایی‌های عمومی محله، ظرفیت‌های کنش جمعی در زمینه‌های کاهش خطرات و شوک‌ها، حل تعارضات، حمایت اجتماعی، مدیریت منابع طبیعی، مدیریت و افزایش بهره‌وری از کالاها و خدمات عمومی محله است (Rival, 2009: 20).

تمام تعاریف جدای از برخی تفاوت‌های موجود بین آنها، دو مفهوم جغرافیایی- مکانی و اجتماعی مورد تأکید خاصی قرار گرفته است. در این بین بلوکلند در بررسی خود از به هم پیوستگی مستحکم شهری در قالب فضایی محله ای معتقد است که اجتماع، نتیجه‌ی محله شهری است که خود حاصل فرآیندی از محله آفرینی است (Blockland, 2003: 12).

کوک نیز به این نتیجه می‌رسد که محله عبارت است از فضایی که بخش مهمی از کار، زندگی و تجارت شهروندان در آن انجام می‌شود. محله سازمان اجتماعی مهمی برای شناخت و وسیع افراد و تجهیز اجتماعی آنها برای فعال کردن، توسعه و یا دفاع از حقوقی است که نه از نوع سیاسی، بلکه بیشتر شامل ماده و انرژی در حوزه‌ی فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی است. بنابراین محله، نهادی است که از طریق آن افراد و موضوعات می‌توانند زمینه‌ی فعالیت اولیه را فراهم گردانند و از این طریق یک تعامل مؤثر



شکل ۳: پتانسیل‌های کلیدی در سطح محله برای تاب‌آوری و مقاومت در برابر شوک‌ها

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۵ (Béné et al, 2012)

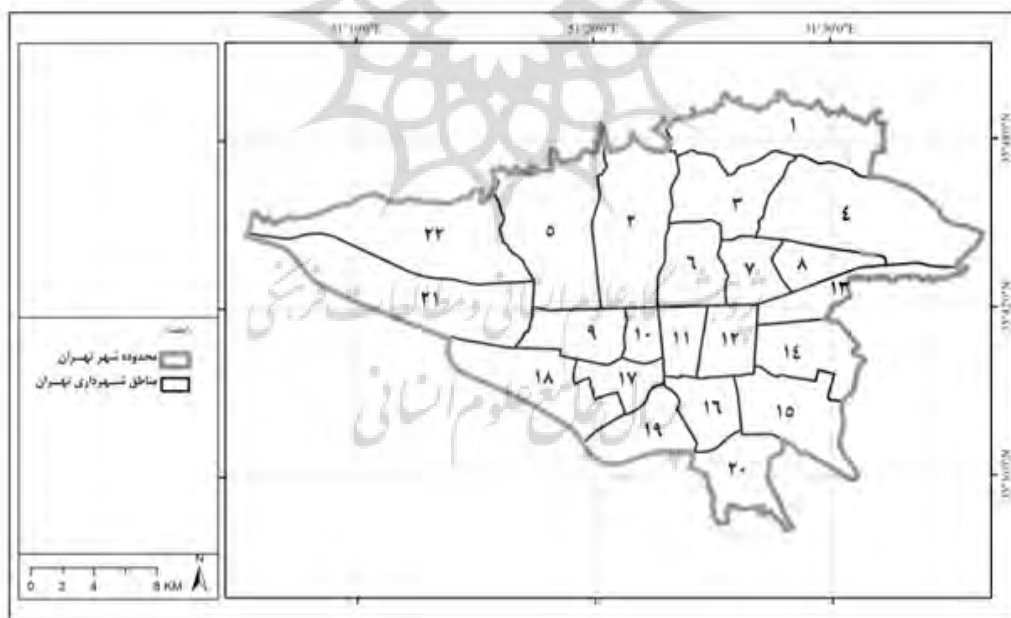
یک پژوهش کاربردی با روش توصیفی تحلیلی محسوب می‌گردد. در این زمینه ابتدا در این تحقیق به روند سازمان‌یابی فقرا در شهر تهران طی دهه‌های اخیر

## روش پژوهش

با توجه به تلاش برای به‌کارگیری یافته‌های پژوهش در حل مشکل و رفع نیازمندی‌های جامعه، پژوهش

شد و از طریق پرسشنامه موارد مطروحه مورد سوال واقع شد. تعداد پرسشنامه‌ها در محله مورد مطالعه ۱۰۳ مورد بوده که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است. در جدول (۱) می‌توان شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش و ارزیابی مقاومتی بودن اقتصادی محله مورد مطالعه را مشاهده نمود. در اینجا باید متذکر شد همچنان که نتایج کار دیگر پژوهشگران نشان داد لازمی اتخاذ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در سطح محلی علاوه بر شاخص‌های صرف اقتصادی باید سایر متغیرها همچون مدیریت محلی و یا سرمایه اجتماعی نیز دخیل باشند. بنابراین سعی شده که در سؤالات مطرح شده در پرسشنامه به مباحث نهادی، اجتماعی و فرهنگی نیز توجه شود.

پرداخته می‌شود و در گام بعدی بررسی رابطه‌ی سازمان‌یابی فضایی فقرا و ارتباط آن با بافت فرسوده در سطح شهر تهران مورد واکاوی قرار گرفته است. محدوده‌ی مکانی تحقیق مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است (نقشه شماره ۱). در سطح کلان‌شهری برای محاسبه فقر ابتدا شاخص‌های آن استانداردسازی شد و سپس با استفاده از سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی (GIS) و تکنیک موران<sup>۱</sup> سطح پراکندگی هر یک از آنها بررسی شده است. با استفاده از نرم‌افزار GEODA همبستگی فضایی دو متغیره یعنی دو متغیر فقر و بافت فرسوده مورد همبستگی قرار گرفته است. در مرحله‌ی سوم محله‌ی نعمت‌آباد به عنوان یکی از محلات جنوبی تهران به عنوان محدوده‌ی مورد کار انتخاب شد، برای سنجش اقتصاد محلی شاخص‌سازی



نقشه ۱: موقعیت ۲۲ گانه مناطق شهرداری تهران

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳



جدول ۱: شاخص‌های بکار رفته در سه حوزه فعالیت‌های اجتماعات محلی در محله مورد مطالعه

مدیریت محلی	سرمایه‌ی اجتماعی محله	اقتصاد محلی
میزان همکاری جمعی برای کسب منفعت بیشتر از شهرداری یا دولت (وام نوسازی، سوبسید ...)، میزان همکاری گروهی در جهت اهداف محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های محیطی محله، میزان زمانی که شهروندان با فرزندان‌شان در مورد مسایل محله صحبت می‌کنید، میزان صرف زمان برای شرکت در جلسات محلی از جمله شوراباری محله، میزان صرف زمان برای جلسات دفتر بهسازی محله، رایزنی با ارگان‌های دولتی راجع به مسایل محله در دو سال گذشته، کمک به پروژها و اقدامات در حال انجام در محله، مشارکت در مدیریت محله	میزان کمک به فعالیت‌های مذهبی محله، میزان صرف کمک به فعالیت‌های ورزشی محله، میزان مشارکت در نهادها و مؤسسات غیردولتی در محله، میزان استفاده از خانه سلامت محله، میزان مشارکت در مسجد محله، میزان صرف زمان برای دیدار با اقوام و آشنایان محلی	میزان صرف زمان برای به دست آوردن شغل جدید در صورت از دست دادن شغل اول، میزان مهارت‌های شغلی و تخصصی افراد. میزان کمک به همسایه‌های فقیر در محله، میزان قرض دادن و یا قرض گرفتن از آشنایان به صورت قرض الحسنه، میزان کمک به افراد محله در مواقع حادثه، میزان کمک به تهیه جهیزیه نوزادان، میزان مشارکت برای روابط کاری و اقتصادی با افراد محله، میزان سپرده گذاری یا قرض گرفتن از صندوق قرض الحسنه محله، میزان صرف مشارکت برای اشتغال‌زایی و فرصت‌های اقتصادی زنان، میزان مشارکت در تشکیل صنف محلی، میزان مشارکت برای ارتقاء اقتصادی محله

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

### تجزیه و تحلیل

#### توزیع فضایی شاخص‌های فقر در شهر تهران ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰

به دلیل کمبود آمار و داده‌ها و با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده، ترکیبی از اطلاعات برای محاسبه وضعیت فقر در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و سپس تحلیل فضایی آن انتخاب گردید، که خلاصه آن در جدول زیر آمده است. همانطور که در جدول (۲) آمده است، برای محاسبه‌ی شاخص فقر، ۳ شاخص ثانویه تعریف گردید که عبارتند از:

۱- وضعیت سواد، ۲- وضعیت درآمد، ۳- وضعیت

واحد مسکونی که میانگین این ۳ شاخص پس از استانداردسازی شاخص‌ها به عنوان نمایانگر وضعیت فقر مناطق انتخاب گردید. در اینجا لازم به ذکر است، نرخ سواد به عنوان نمایانگر وضعیت سواد و نرخ اشتغال به عنوان نمایانگر وضعیت درآمد و ۵ شاخص بعد خانوار، تعداد نفر در واحد مسکونی، درصد واحدهای مسکونی ۵۰ متر و کمتر، درصد واحدهای دارای ۱ اتاق و کمتر و درصد واحدهای استیجاری پس از همسوسازی، استانداردسازی و میانگین‌گیری به عنوان نمایانگر وضعیت فقر در واحدهای مسکونی انتخاب شدند.

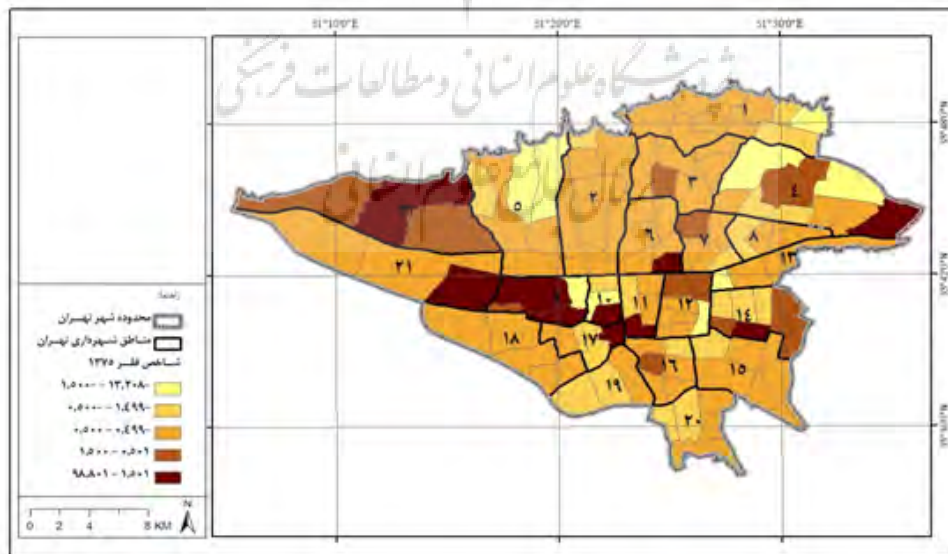
جدول ۲: محاسبه شاخص فقر در نواحی شهرداری تهران

شاخص اولیه	نوع اثر	شاخص ثانویه	نوع اثر	شاخص نهایی
نرخ سواد	+	وضعیت سواد	+	شاخص فقر (استانداردسازی و محاسبه شاخص)
نرخ اشتغال	+	وضعیت درآمدی	+	
بعد خانوار	-	پس از ترکیب با یکدیگر و معکوس کردن ارقام شاخص وضعیت واحد مسکونی را تشکیل می‌دهند	-	
تعداد نفر در واحد مسکونی	-			
درصد واحدهای مسکونی ۵۰ متر و کمتر	-			
درصد واحدهای دارای ۱ اتاق و کمتر	-			
درصد واحدهای استیجاری	-	حذف شد	حذف شد	
درصد واحدهای دارای ۵ اتاق و بیشتر	-	حذف شد	حذف شد	
درصد مالکیت ساختمان	-	حذف شد	حذف شد	
تراکم جمعیت	-	حذف شد	حذف شد	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳

الگوی خاصی در توزیع فضایی ندارد، این امر در محاسبه‌ی سنجه‌ی موران نیز خود را نشان داده است؛ به این صورت که میزان موران برای شاخص فقر در نواحی شهرداری تهران ۰.۰۱- محاسبه شده است و در نمودار خروجی نیز الگوی تصادفی مورد تأیید قرار گرفته است.

**وضعیت توزیع فضایی شاخص فقر در سال ۱۳۷۵**  
بررسی فضایی شاخص فقر که بر اساس جدول فوق برای سال ۱۳۷۵ ترسیم شده است و در زیر آورده شده است (نقشه‌ی شماره ۲)، علی‌رغم وجود برخی همجواری‌هایی که به عنوان مثال در برخی نواحی مناطق ۱، ۲، ۳، ۵ و ۶ مشاهده می‌شود، نشان از

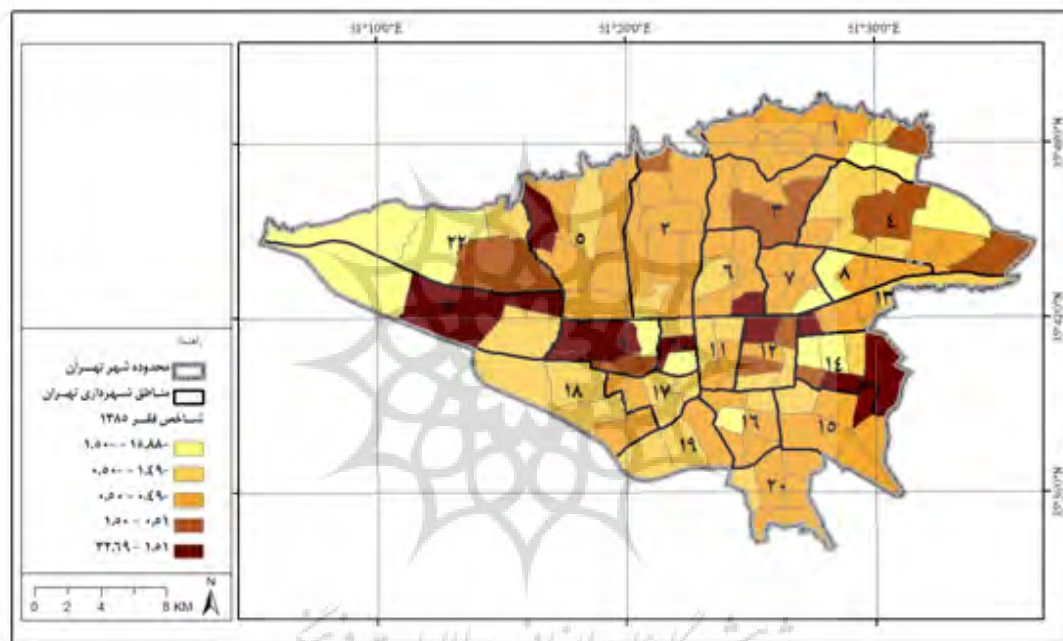


نقشه ۲: شاخص فقر در نواحی شهرداری تهران در سال ۱۳۷۵

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

۱۵،۱۶ و ۲۰ در جنوب غربی تهران در طبقه‌ی متوسط قرار دارند و الگویی از همجواری‌های طبقه بالا و پایین مشاهده نمی‌شود، بر این اساس و با توجه به میزان سنججه‌ی موران که برابر با صفر شده است، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی فضایی توزیع فقر در سال ۱۳۸۵ نیز دارای الگوی تصادفی بوده است.

- وضعیت توزیع فضایی شاخص فقر در سال ۱۳۸۵  
بیشترین همجواری‌ها در بررسی نقشه‌ی توزیع فضایی فقر در سال ۱۳۸۵ (نقشه‌ی شماره ۳) مربوط به طبقه‌ی متوسط است، به این صورت که محدود وسیعی از نواحی واقع در بافت مرکزی و شمالی شهر تهران و همچنین محدوده‌های متشکل از برخی نواحی

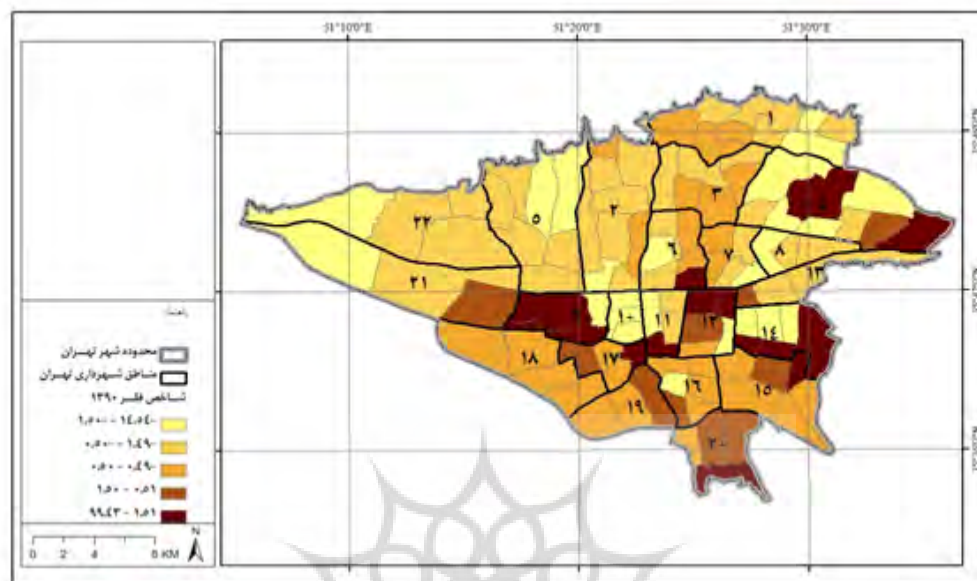


نقشه ۳: شاخص فقر در نواحی شهرداری تهران در سال ۱۳۸۵

تهیه و ترسیم: نگارنگان، ۱۳۹۳

از آن نشان می‌دهد (نقشه شماره ۴)، با میزان موران ۰،۰۱ فقر در این سال نیز دارای الگویی تصادفی است.

وضعیت توزیع فضایی شاخص فقر در سال ۱۳۹۰  
میزان شاخص فقر بر اساس مدل فوق‌الذکر برای سال ۱۳۹۰ نیز محاسبه گردید و بررسی نقشه حاصل



نقشه ۴: شاخص فقر در نواحی شهرداری تهران در سال ۱۳۹۰

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

گونه نتیجه گرفت، الگوی پراکندگی فقر در طی سال‌های مورد بررسی از الگوی پراکنده به سمت الگوی خوشه‌ای و متمرکز متمایل شده است هر چند این تغییر به آهستگی بسیار زیادی رخ داده است.

#### خودهمبستگی فضایی دو متغیره

در این بخش رابطه‌ی فضایی دو متغیره بین شاخص فقر در دهه‌های مختلف و در مرحله‌ی اول پراکنش فضایی گروه‌های شغلی و در مرحله‌ی دوم با محدوده‌ی بافت فرسوده شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت اصلی این بخش در دو متغیره بودن محاسبه‌ی سنجه‌ی موران می‌باشد، به این صورت که در اینجا رابطه‌ی خودهمبستگی فقر با شاخص دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل فوق که با بهره‌گیری از نرم‌افزار GEODA ترسیم شده است، دارای ۳ خروجی اصلی می‌باشد که عبارتند از:

- جمع‌بندی: تحولات فضایی شاخص فقر در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

اگرچه زیرشاخص‌های تشکیل‌دهنده‌ی فقر، تماماً دارای الگوی توزیع فضایی خوشه‌ای بودند، همان طور که در صفحات قبلی بررسی شد، شاخص فقر در سه سال ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ از الگوی تصادفی پیروی می‌کرده است، این خود نشان‌دهنده‌ی این است، که در روی هم‌گذاری لایه‌ها تفاوت‌هایی در نواحی وجود داشته است، به عبارت دیگر نواحی فقیر در یک یا چند زیرشاخص در دیگر شاخص‌ها در گروه فقیرها جای نگرفته است و این باعث شده در روی هم‌گذاری لایه‌ها و محاسبه شاخص فقر، الگوی فضایی دیگر شکل بگیرد. از طرف دیگر تفاوت چندانی در میزان سنجه موران در طی سه سال بررسی شده وجود ندارد و میزان سنجه موران از  $-0,01$  در سال ۱۳۷۵ به صفر در سال ۱۳۸۵ و در نهایت  $0,01$  در سال ۱۳۹۰ تبدیل شده است، بر اساس این ارقام می‌توان این

پایین قرار داد، یعنی در این نواحی شاخص فقر در سطح پایینی قرار دارد و در عین حال بافت‌های فرسوده‌ی شهری نیز کم هستند، اما در بافت مرکزی شهری تعداد ۹ ناحیه در محدوده‌ی بالا-بالا قرار دارند که در آن‌ها میزان فقر و مساحت بافت‌های فرسوده بالا است، این نواحی توسط نواحی‌ای که در خوشه پایین-بالا قرار دارند احاطه شده‌اند. خود همبستگی فضایی شاخص فقر در سال ۱۳۸۵ با مساحت بافت‌های فرسوده در ناحیه‌های شمال تهران پایین-پایین و بالا-پایین قرار دارند که در آنها فرسودگی کم است اما مناطق با شاخص فقر زیاد نیز در بین آنها وجود دارد. اما در بافت مرکزی شهری تعداد ۹ ناحیه که در خوشه بالا-بالا قرار دارند، به وسیله‌ی نواحی خوشه پایین-بالا احاطه شده‌اند. وجود موران  $0,0505$  - نیز نشان‌دهنده‌ی الگوی تصادفی می‌باشد. نتایج خودهمبستگی فضایی شاخص فقر با مساحت بافت‌های فرسوده در سال ۱۳۷۵ نشان‌دهنده‌ی وجود خوشه‌بندی پایین-پایین در شمال شهر و شکل‌گیری پایین-بالا در محدوده‌ی مرکزی شهر باشد. وجود ضریب موران  $0,0688$  نیز اگرچه الگوی این توزیع را در تصادفی دسته‌بندی می‌کند، اما این توزیع را می‌توان نزدیک به توزیع خوشه‌ای دانست.

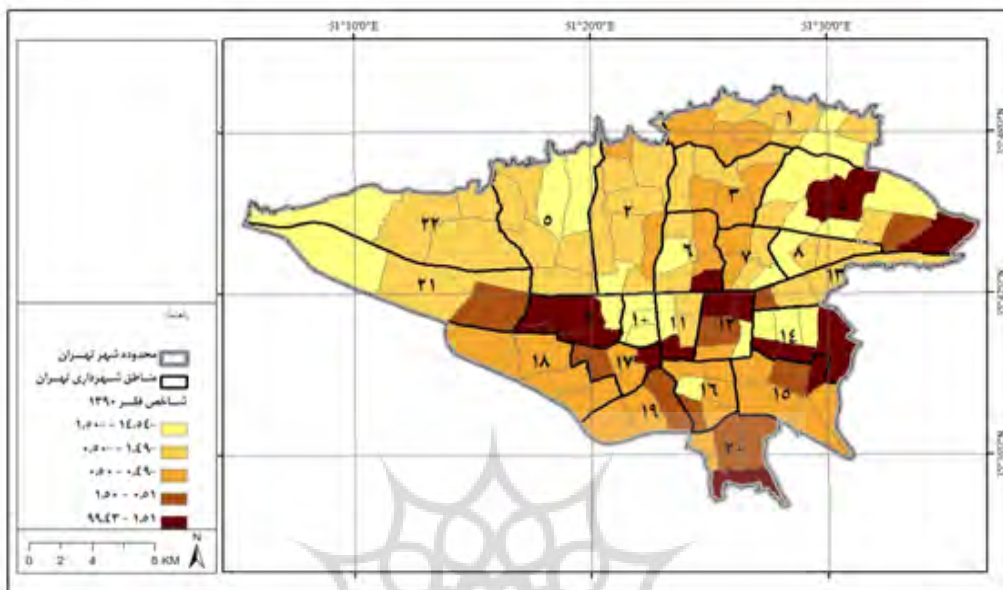
۱- نقشه خوشه‌بندی: این نقشه نواحی شهرداری تهران را به ۵ خوشه تقسیم می‌کند: ۱- نواحی نامعتبر که در کنار هم به صورت خوشه‌ای پراکنده نشده‌اند در مقابل سایر ناحیه‌هایی که تشکیل خوشه داده‌اند و عبارتند از، ۲- نواحی بالا-بالا که از نظر هر دو شاخص مقادیر بالا را دارند، ۳- نواحی پایین-پایین که از نظر هر دو شاخص مقادیر پایین را داشته‌اند، ۴- نواحی پایین-بالا و ۵- نواحی بالا-پایین

۲- نقشه‌ی میزان معنی‌داری: نواحی‌ای را که دارای الگوی خوشه‌ای هستند، بر اساس میزان احتمال خطا (P) دسته‌بندی کرده است.

۳- نمودار دو متغیر موران: که موقعیت نواحی شهرداری را در نمودار و همچنین میزان سنجه موران نشان می‌دهد.

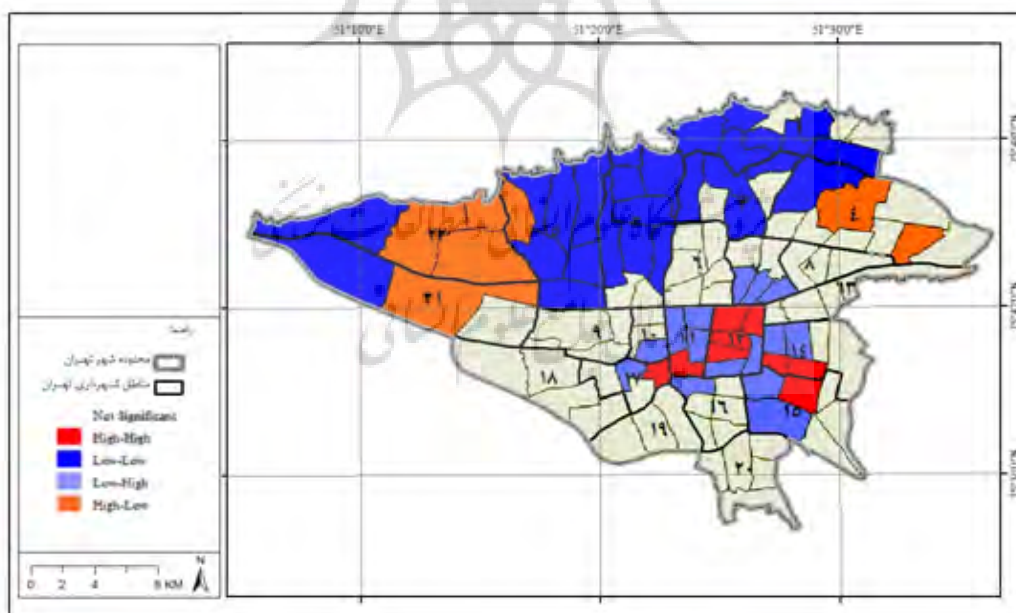
### خودهمبستگی فضایی شاخص فقر و محدوده‌ی بافت فرسوده

سنجه موران در بررسی خودهمبستگی فضایی شاخص فقر در سال ۱۳۹۰ با مساحت بافت فرسوده در نواحی شهرداری تهران که به میزان  $0,0674$  محاسبه شده است، الگوی توزیع فضایی خوشه‌ای را نشان نمی‌دهد بلکه بر عکس حاکی از تصادفی بودن آن نیز می‌باشد، اما در نقشه خوشه‌بندی می‌توان نواحی واقع در شمال تهران را در خوشه‌ی پایین-



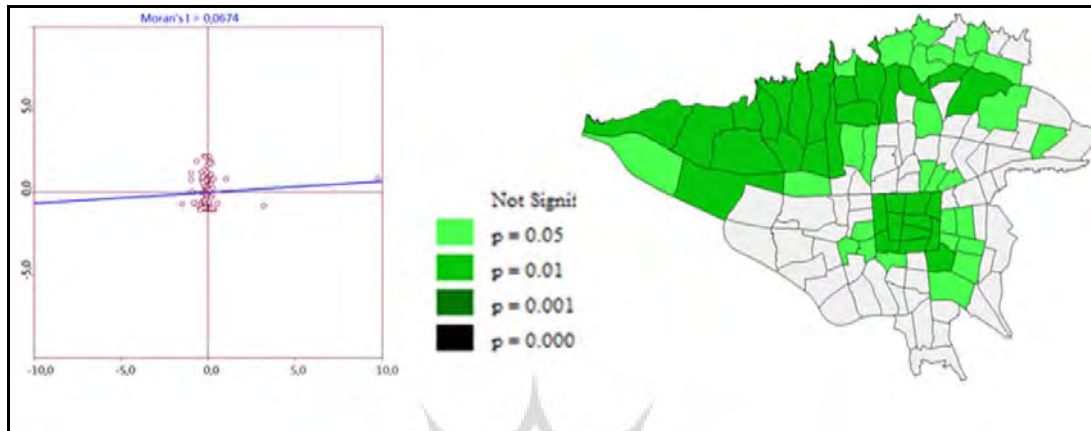
نقشه ۵: محدوده‌ی بافت فرسوده در شهر تهران در سال ۱۳۹۰

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

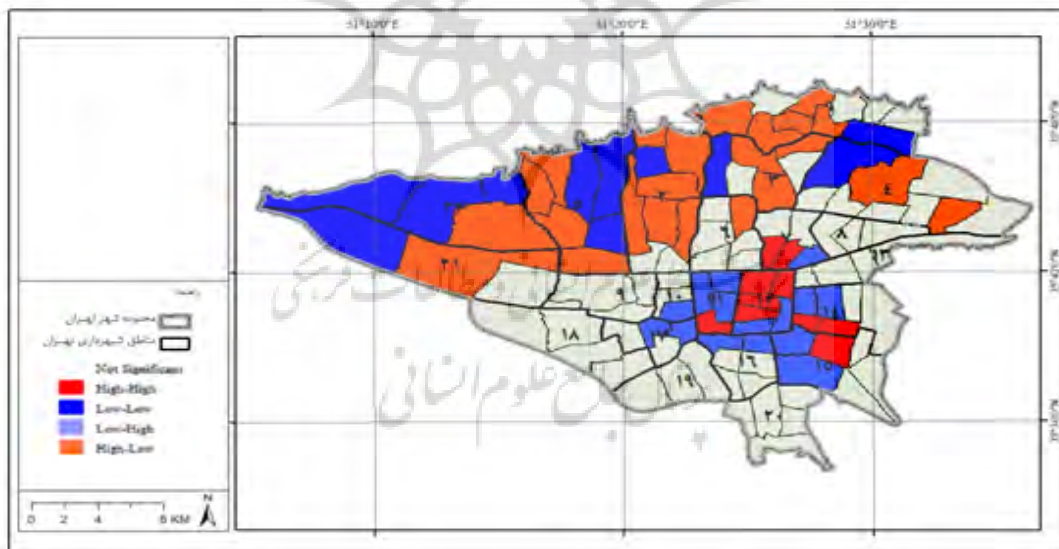


نقشه ۶: خودهمبستگی فضایی شاخص فقر (۱۳۹۰) با مساحت بافت فرسوده در نواحی شهرداری تهران

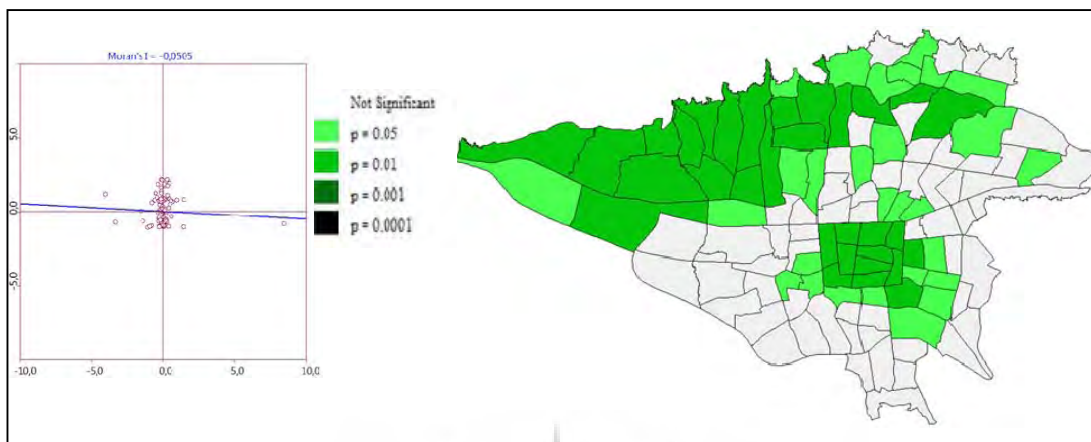
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳



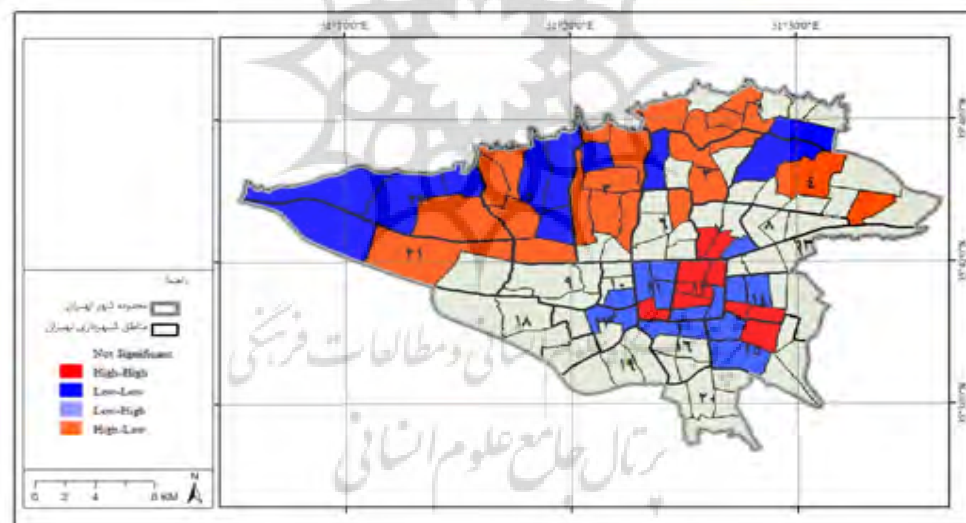
نقشه ۷: نقشه‌ی خوشه‌بندی: میزان معنی‌داری و نمودار موران  
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳



نقشه ۸: خودهمبستگی فضایی شاخص فقر (۱۳۸۵) با مساحت یافت فرسوده در نواحی شهرداری تهران  
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

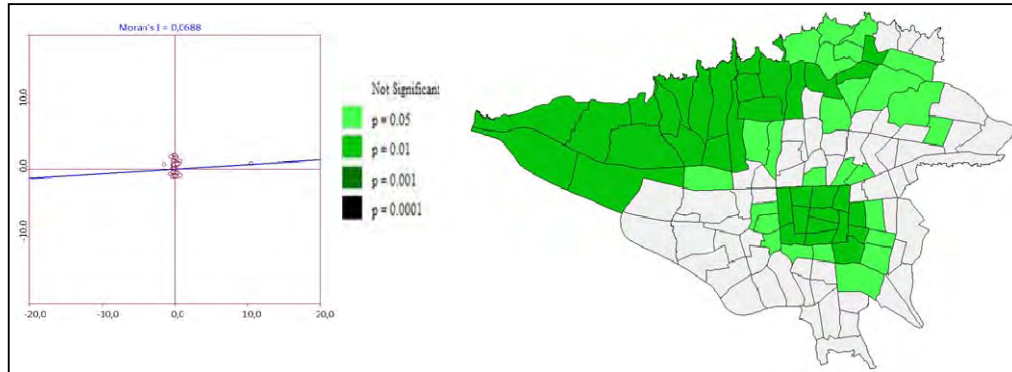


نقشه ۹: نقشه خوشه‌بندی: میزان معنی‌داری و نمودار موران  
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳



نقشه ۱۰: خودهمبستگی فضایی شاخص فقر (۱۳۷۵) با مساحت بافت فرسوده در نواحی شهرداری تهران  
تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳





نقشه ۱۱: نقشه‌ی خوشه‌بندی: میزان معنی‌داری و نمودار موران

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

دارند. یکی دیگر از متغیرهای مهم در این پژوهش میزان درآمد افراد و خانوارها می‌باشد، اما از آنجایی که افراد جامعه از بیان میزان درآمد خود خودداری می‌نمایند از نسبت مخارج به پس‌انداز خانواده‌شان در ماه سؤال شده است تا از این طریق به صورت احتمالی پی به درآمد آنها ببریم. نسبت مخارج به پس‌انداز در سه دسته موردپرسش واقع شده که نتیجه حاصل از آن بدین گونه بوده که در محله ۴۴ درصد خود را جزء خانوادهای کم درآمد، ۴۶ درصد در حد متوسط و در نهایت ۱۰ درصد نیز درآمد مناسب تشخیص داده‌اند. نتیجه‌ی کلی از یافته‌های اولیه حاکی از آن است که اکثر افراد مورد پرسش واقع شده میانسال، با سطح تحصیلات متوسط آموزشی، عمدتاً با شغل‌های آزاد و درآمد متوسط روبه‌پایین (از نظر خودشان) می‌باشد. ویژگی‌های بیان شده مهم‌ترین مشخصه‌های فردی ساکنان محله می‌باشد که می‌تواند در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های اجتماع محور برای توسعه‌ی اقتصادی در سطح محله تأثیر بسزایی داشته باشد. در این راستا برنامه‌ریز شهری می‌باید شناسایی این ویژگی‌ها را در دستور کار خود قرار دهد.

### فعالیت‌های محله محور برای مبارزه با فقر شهری یافته‌های اولیه

جهت درک بهتر این موضوع یعنی نقش توسعه‌ی فعالیت‌های اجتماعات محلی در اقتصاد مقاومتی و به تبع آن کاهش فقر حاکم بر محلات شهری ابتدا ضروری به نظر می‌رسد که ویژگی‌های فردی پاسخ‌دهندگان بررسی شود تا شرایط زمینه‌ای در توسعه یا عدم توسعه تا حدی روشن شود. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در محله‌ی ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان را مردان و مابقی را زنان تشکیل داده‌اند. در گروه‌های سنی نیز بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۵-۴۵ ساله با ۳۶ درصد و سپس گروه سنی ۲۵-۳۵ سال با ۲۸ درصد است. بر بعد خانوار محله ۴/۸ مشخص شده است. متغیر بعدی مورد بررسی سواد است که حاکی از آن است که سطح افراد با تحصیلات راهنمایی و دیپلم به ترتیب با ۳۶ و ۲۱ درصد در محله دارای بیشترین تعداد می‌باشند. در سطح تحصیلات دانشگاهی نیز تنها ۸ درصد است. همین وضعیت در گروه‌های شغلی محله نیز وجود دارد بطوری‌که بیش از ۶۵ درصد پاسخ‌دهندگان شغل خود را آزاد بیان داشته‌اند و بعد از این گروه افراد بیکار، کارمند و خانه دار در مرتبه‌های بعدی قرار

### یافته‌های اختصاصی

در این مرحله ویژگی‌های محلی برای نیل به اقتصاد مقاومتی به سه دسته مدیریت محله، سرمایه اجتماعی محلی و اقتصاد محلی تقسیم شده است که هر کدام دارای تعاریف عملیاتی خاص خود هستند. بر اساس میانگین‌ها اقدام به سنجش هر کدام از آنها بطور جداگانه شده است. هرچند که دسته‌بندی متغیرهای با توجه به همپوشانی و درهم‌بستگی آنها بسیار مشکل است. اولین مؤلفه مورد بررسی مدیریت محله محور و فعالیت‌های شهروندان در بهبود آن در جهت ارتقای اقتصادی محله است. مدیریت محله محور می‌توان که از آن به عنوان عملی یاد شده که مردم محلی برای بدست آوردن اهداف مشترک به ویژه وقتی که منافع مشترک دارند، انجام می‌دهند. بر اساس میانگین متغیرهای مورد بررسی (با میانگین ۱/۴)، نشان‌دهنده وضعیت پایین و نامناسب آن برای محله است. این وضعیت حاکی از آن است که از یک سو فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطح محلی شهری تهران چندان جایگاهی ندارد و در طرف

دیگر تمایل شهروندان به اداره‌ی امور محله و مشارکت در آن پایین است و شهروندان به این اعتقاد نرسیده‌اند که می‌توانند با مشارکت بیشتر در اداره‌ی محله به ارتقای کیفیت زندگی خود بپردازند. به نظر می‌رسد مشارکت کمتر در سطح محلی به مسأله‌ی سواری رایگان و یا مجانی برمی‌گردد که همه شهروندان ترس از آن دارند که از تلاش‌های آنها در جهت منافع شخصی سایر افراد استفاده شود و نه اهداف جمعی محله. بر این اساس ضرورت دارد در مدیریت محلی برای اداره کردن منابع یا منافع مشترک محلی اقداماتی صورت گیرد که نقش مدیریت محلی برای تعریف، حد و مرزهای آنها بر اساس دارایی‌های موجود هر محله بسیار اساسی است. در بین متغیرهای موجود در این مؤلفه همکاری جمعی برای کسب منفعت از ارگان‌های نظیر شهرداری و غیره دارای بهترین وضعیت است که نشان‌دهنده تمایل افراد برای کسب امتیاز برای خود و محله‌شان است که با آنچه لویئیس در فرهنگ فقر خود بیان داشته، سنخیتی ندارد (نمودار ۲).

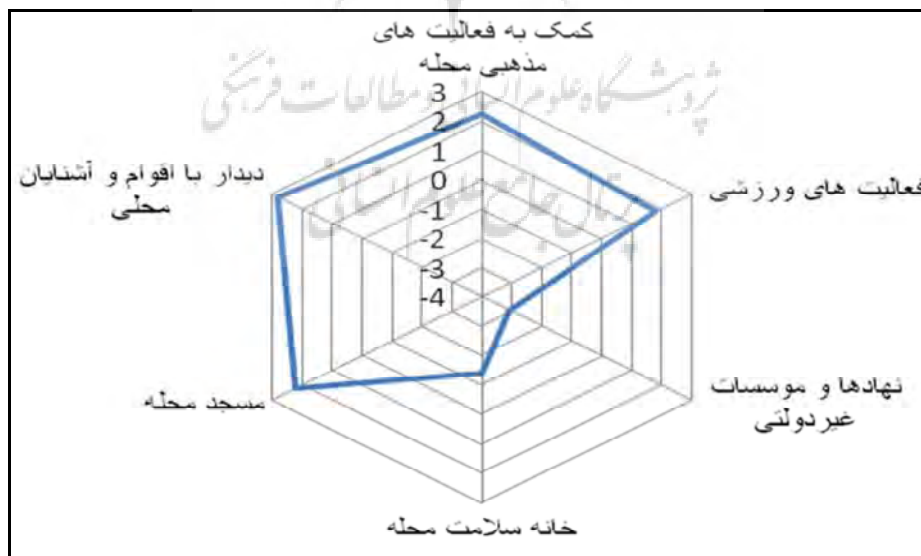
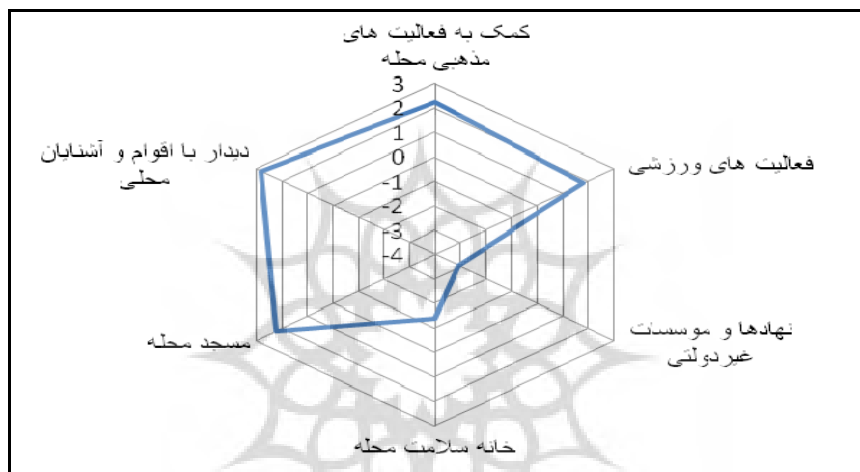


نمودار ۲: وضعیت محله‌ی مورد مطالعه در مؤلفه‌ی اداره و مدیریت محله

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

آشنایان و کمک به فعالیت‌های مذهبی در مناسب‌ترین وضعیت را در بین متغیرها دارند. این وضعیت به بافت قومی محله و وجود قومیت ترک در محله در ارتباط است. در طرف دیگر نیز عدم ارتباط با سازمان‌های غیر دولتی و یا تشکیل آنها در سطح محله پایین‌ترین وضعیت را دارند (نمودار ۳).

مؤلفه‌ی بعدی مورد بررسی سرمایه‌ی اجتماعی محلی است که هدف آن سنجش نزدیکی اعضای گروه بر اساس تسهیم ایده‌ها، تجربیات و اطلاعات در جهت بسیج منابع محلی و قدرت شبکه‌سازی است. این مؤلفه نسبت به مؤلفه‌ی قبلی جایگاه مناسب‌تری دارد. در بین متغیرهای موجود در این مؤلفه دیدار با اقوام و



نمودار ۳: وضعیت محله‌ی مورد مطالعه در مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

پروژه‌ها به ویژه در بحث نوسازی و بهسازی دارای کمترین امتیاز می‌باشند. مسأله‌ی اول به نظر می‌رسد شخصی و تا حدی به اقتصاد کلان برمی‌گردد ولی مسأله‌ی دوم به روند تسهیل و بسترسازی مدیریت شهری برای نوسازی و بهسازی برمی‌گردد (نمودار ۴).

مؤلفه نهایی اقتصاد محلی است که نسبت به دو مؤلفه قبلی وضعیت به مراتب بهتری دارد. در این مؤلفه متغیر ارتقاء اقتصادی محله، روابط کاری و مهارت‌های شغلی بهترین وضعیت را به خود اختصاص داده‌اند. در دیگر سو دو عامل میزان توانایی و اعتماد به نفس برای کار و میزان ترس از طولانی شدن



نمودار ۴: وضعیت محله‌ی مورد مطالعه در مؤلفه‌ی اقتصاد محلی

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳



نمودار ۵: میانگین امتیازات در مؤلفه‌های مورد بررسی در محله‌ی مورد مطالعه

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۳

که پایه آن نیز محلی می‌تواند باشد، تحقق یابد. مشاهدات میدانی نگارندگان و سؤالاتی مطروحه در پرسشنامه، حاکی از تلاش‌های آنها براساس

نتایج نشان می‌دهد که در محله‌ی زمینه‌ها و بسترهای توسعه‌ی فعالیت‌های اجتماع محور وجود دارد که می‌تواند در بسترسازی برای اقتصاد مقاومتی

تر نسبت به یافت‌آباد در آینده نه چندان دور می‌تواند تبدیل به رقیبی برای مرکز میل تهران (یافت‌آباد) شود. اهالی خود محله این موفقیت را علاوه بر تغییر نقش، استقبال و مشارکت مردم محله از برنامه‌های نوسازی و بهسازی می‌دانند. زیرا اجرای برنامه‌های نوسازی در کنار قرار گرفتن در مسیر یکی از خروجی‌ها جنوبی شهر تهران باعث تسهیل رفت و آمد مشتریان (اعم از تهران و سایر مناطق کشور) شده و بر رونق کاری و جهش اقتصادی آنها افزوده است. این در حالی است که هنوز برخی محله‌های مجاور همچون محله دولتخواه هنوز در فعالیت‌های اولیه از جمله کار در کوره‌های آجرپزی، جمع‌آوری ضایعات آهن و نان مشغول می‌باشند که بنا بر گفته خود اهالی پیشرفت چندانی را برای آنها در سال‌های اخیر به همراه نداشته است و حتی برخی در مصاحبه‌ها اعلام داشتند که بر شدت و ابعاد فقر ساکنان این محله در سال‌های اخیر نیز افزوده شده است. این در حالی است پایگاه قومی و محل جغرافیایی برای هر دو محله مشابه است و این سؤال را پیش می‌آورد که تفاوت دو محله از نظر برنامه‌های اقتصاد مقاومتی و تلاش‌های کاهش فقر چیست. این مقاله تفاوت این محله را در کنش جمعی می‌داند به نحوی که آنها اکنون به فکر برپایی بورس صادرات مبلمان، برگزاری نمایشگاه‌های جانبی مرتبط با محصولات خود و بازاریابی در سایر مناطق کشور می‌باشند.

### نتیجه

مسیر برخورد با فقر شهری در ایران با ابزار نه چندان پایدار و کارآمد توزیع ناچیزی از پول نفت می‌باشد که عموماً از طریق نهاده‌ها و دستگاه‌های دولتی صورت گرفته و لیکن به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و مکانیزمی که می‌تواند در برخورد با فقر داشته باشند، توجهی نشده است. نتایج نشان می‌دهد

فعالیت‌های اجتماع محور برای کاهش فقر می‌باشد. نکته قابل تامل در این است که در پنج سال گذشته ساکنان محله دارای پایگاه اقتصادی و مشاغل (جمع‌آوری ضایعات آهن و نان، کارگری در کوره‌های آجرپزی) بودند لیکن در سال‌های اخیر ساکنان محله تغییر نقش اقتصادی داده‌اند و به تولید و فروش صنایع مبیل روی آورده‌اند. این تغییر نقش با ظرافت خاصی نیز همراه بوده است. زیرا با توجه به اینکه این محله از یک سوی با مرکز اصلی و تخصصی مبلمان در ایران و تهران یعنی یافت‌آباد فاصله زیادی ندارد و از سوی دیگر یافت‌آباد اقدام به تهیه و تولید مبلمان به صورت تخصصی و بعضاً گران‌تر می‌نماید، ساکنان این محله تصمیم به تولید مبلمان ارزان‌قیمت گرفتند که امروزه و در شرایط فعلی اقتصادی توانسته مشتریان زیادی از سراسر کشور را جذب کند. این تغییر نقش علاوه بر اشتغال‌زایی بسیار مناسب برای میانه‌ای‌ها برای بسیاری از ساکنان محلات پیرامون نیز فرصت کاری پدید آورده است. در سال‌های اخیر تعداد افراد شاغل در بخش‌های مختلف صنعت تولید مبیل و لوازم اداری در این محله زیاد شده که علاوه بر اشتغال‌زایی، ارزش افزوده‌ی فراوانی را برای خود محله نیز در پی داشته است. این تغییر نقش دارای چند ویژگی اساسی است که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است از جمله درون‌زا بودن، مشارکت آحاد مردم در روند تولید به ویژه افراد فقیر، پایداری و ریشه کردن فقر از پایین و توسط خود مردم و کاهش وابستگی به منابع مالی حاصل از فروش نفت. مشاهدات میدانی نگارندگان نشان داد که اکنون علاوه بر افزایش چشم‌گیر تعداد کارگاه‌ها تولیدکننده و فروشگاه‌های ارایه‌کننده‌ی مبیل در محله، حتی پارکینگ‌های برخی از منازل به عنوان انبارهای مغازه‌های مبیل فروشی درآمدی است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود این محله با تولید مبیل ارزان‌قیمت

قابل تصور نیست بلکه سایر شاخص‌ها اعم از اجتماعی به ویژه سرمایه اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و نهادی قابل تصور است. در این بین وظیفه مدیریت شهری علاوه بر تسهیل و سرعت بخشی برای بهسازی و نوسازی محلات فرسوده، توجه به توسعه فعالیت‌های اجتماع محور به عنوان نقطه‌ی شروع اقتصاد مقاومتی است. این شیوه در عین حال پایدارترین، کم‌هزینه‌ترین و مردمی‌ترین شیوه‌ی توانمندسازی و مقتدرسازی شهروندان شهر است.

از این رو پیشنهادات ذیل در سطح محله‌ی مورد مطالعه و شهر تهران مناسب به نظر می‌رسد:

- برندسازی برای صنایع مبل محله به عنوان نیروی پیشران تحول.
- ایجاد نمایشگاه‌های فصلی و خارجی برای بازاریابی‌های جدید به ویژه در کشورهای آسیای میانه و برپایی بورس صادرات مبلمان.
- تقویت دفاتر تسهیل‌گری محله و تأکید بر الگوهای کارآفرینی در این دفاتر.
- گذار از مدیریت شهری و اتخاذ رویکرد حکمروایی شایسته شهری.

### منابع

- اطاعت، جواد؛ محمود سریع‌القلم؛ فرهاد دژپسند؛ علی دینی‌ترکمانی؛ مظفر صرافی؛ وحید محمودی؛ بهروز هادی زنوز (۱۳۹۲). مبانی توسعه پایدار در ایران، نشر علم. چاپ اول. تهران.
- اسکندری‌ثانی، محمد (۱۳۹۳). فقر در کلان‌شهر تهران، وضعیت، چالش‌ها و رهیافت‌های مقابله با آن با تأکید بر توسعه اجتماعات محلی موردشناسی نعمت‌آباد تهران، رساله دکتری به راهنمایی دکتر سجادی. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.

که دنباله‌روی از مسیر قبلی و بدون توجه به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نه تنها مشکل فقر در شهر تهران را از بین نبرده بلکه بر شدت آن نیز افزوده است. الگوی پراکندگی فقرا در شهر تهران در طی سال‌های مورد بررسی یعنی از سال ۱۳۷۵ به بعد از الگوی پراکنده به سمت الگویی خوشه‌ای و متمرکز متمایل شده، هر چند این تغییر به آهستگی بسیار زیادی رخ داده است. همبستگی که بین اقشار اجتماعی و محدوده‌ی بافت‌های مسکونی مسأله‌دار به ویژه بافت فرسوده در تهران گرفته شد، نشان می‌دهد که اقشار فرودست عمدتاً در نواحی با بافت فرسوده در شهر تهران زندگی می‌کنند که دهه به دهه به سمت جنوب (هم شرق و هم جنوب) در حرکتند. یکی از مشخصه‌های اصلی عدالت اجتماعی مساوات در تهدید است که می‌باید فضاهای شهری نیز همگام در برخورداری از شاخص‌های توسعه نیز باید در این حیطه هم مساوات داشته باشند. به نظر می‌رسد در شهر تهران همزمان با حرکت فضایی فقرا و تمرکزگرایی آنها به سمت پهنه‌های بافت فرسوده و مشکلات فراوان موجود در بافت‌های فرسوده لزوم تغییر نگرش در شیوه‌های مدیریتی شهری و اقتصاد شهری به ویژه در موقع بحران و شوک‌ها ضروری است. مطالعه‌ی محله‌ی مورد مطالعه نشان داد که اقتصاد مقاومتی می‌تواند در سطح محلات پی‌ریزی شود، زیرا که ویژگی‌هایی از جمله درون‌زا بودن، مشارکت آحاد مردم در روند تولید به ویژه افراد فقیر، پایداری و ریشه کردن کردن فقر از پایین و توسط خود مردم و کاهش وابستگی به منابع مالی حاصل از فروش نفت برای مبارزه با فقر و حتی کارآفرینی را دارد. این مسأله درست با الگوی اقتصاد مقاومتی کارآفرینی، تحقیق و توسعه همخوانی دارد. همانطور که تحقیقات دیگران نیز نشان داده بود ورود و اجرای اقتصاد مقاومتی صرفاً با شاخص‌ها و تحلیل‌های اقتصادی

- جهانیان، وحید؛ موسی پژوهان (۱۳۹۰). بررسی و طبقه‌بندی انواع بافت‌های فرسوده شهری کلانشهر تهران و راهکارهای مداخله در آن، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی. سال سوم، شماره دوم.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۳). قراردادهای نفتی از منظر تولیدی‌بانی و ازدیاد برداشت: رویکرد اقتصاد مقاومتی، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی. سال ششم، شماره دوم، صفحات ۵۲-۷.
- فشاری، مجید؛ جواد پورغفار (۱۳۹۳). بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی شماره ۵ و ۶، صفحات ۴۰-۲۹.
- رهبر، فرهاد؛ امیرعلی سیف‌الدین؛ امیرحسین رهبر (۱۳۹۳). رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی، تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی- اجتماعی، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۹، شماره ۷۸، صفحات ۱۶۱-۱۳۵.
- نیکوآقیال، علی‌اکبر؛ غزاله کریمی (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی برنامه‌ریزی در ایران، ابزاری برای تقویت اقتصاد مقاومتی و توسعه صادرات. سال بیست‌وهشتم، شماره ۳ (پیاپی ۲۹۷)، صفحات ۹۰-۸۴.
- کام‌فیروزی، محمدحسن؛ علی بنیادی؛ سیده اشرف موسوی لقمان (۱۳۹۲). بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصادمقاومتی، مجله اقتصاد اسلامی. سال ۱۳، صفحات ۶۰-۵۹.
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله مینا، رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- عبداللهی، مجید؛ مظفر صرافی؛ جمیله توکلی‌نیا (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، تهران.
- صرافی، مظفر (۱۳۹۲). درسنامه شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- صرافی، مظفر؛ محمد شالی؛ علی محمدنژاد؛ محمد اسکندری‌ثانی؛ زهرا خدابخشی؛ منصور سلیمانی (۱۳۹۴). پایداری شهر ایرانی کندکاو در چالش‌ها و نقش برنامه‌ریز توسعه شهری، نشر علم.
- Blockland, T (2003). *Urban Bounds*, Translated by Lee K. Mitzman, Cambridge: Polity Press.
- Bénédicte, C., Wood, R. G., Newsham, A., & Davies, M (2012). *Resilience: new utopia or new tyranny? Reflection about the potentials and limits of the concept of resilience in relation to vulnerability reduction programmers*. IDS Working Paper, Volume 2012, Number 405.
- Beard, V (2007). *Household contributions to community development in Indonesia*. World Development 35 (4): 607-25.
- Chambers, R (1997). *Who's Reality Counts? Putting the First Last*. London: Intermediate Technology Publications.
- Rakodi, C and T. Lloyd-Jones, Eds (2002). *Urban Livelihoods: A People centered Approach to Reducing Poverty*. London: Earth scan Publications.
- Cooke, P (1980). *Localities: the changing face of urban Britain*. London: Unwin Hyman.
- Innes, S (2005). *Creating the Commonwealth: The Economic Culture of Pertain New England* New York: Norton.
- Philips R and Pittman R (2009). *An Introduction To Community Development, A Framework For Community And Economic Development*, Rutledge Publications
- Foster, K. A (2007). *A Case Study Approach to Understanding Regional Resilience*. Working Paper, Institute of Urban and Regional Development, University of California, and Berkeley.
- Fainstein, susan (2014). *resilience and justice, international of urban and regional research*, Rutledge Publications.
- Rival, L (2009). *The resilience of indigenous intelligence*. In K. Hastrup (Ed.) *The question of resilience: Social responses to climate change*. Det Kongelige Danske Videnskabernes Selskab, Viborg (DK), PP: 293-313.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی